

## آیا تغییرات شناختی در ADHD بر یادگیری زبان دوم تاثیر می گذارد؟

در سالهای اخیر مشکلات خاص یادگیری در حیطه آموزش و فراگیری زبان خارجی یا زبان دوم، مورد بحث قرار گرفته است. مشکلات مرتبط با یادگیری در ADHD، در هر سنی و با شدت متفاوت بروز پیدا می کنند، که می تواند اثرات منفی بر مراحل یادگیری بگذارند. در این مقاله، هدفمان این است که دریابیم چگونه تغییرات شناختی ADHD باعث بروز اختلال در مهارت های یادگیری زبان می شوند. برای اطلاعات بیشتر می توانید به بخش [مشاوره روانشناسی](#) مرکز راز ماندگار مراجعه نمایید.

### ADHD چیست و چگونه بروز می کند؟

با توجه به DSM-5، ADHD در دسته بندی اختلالات یادگیری قرار می گیرد. این اختلال در دوران کودکی یا نوجوانی آغاز می شود. عوامل ژنتیکی و فاکتورهای بیرونی باعث به وجود آمدن کم توجهی، بیش فعالی و مشکلات تکانه ای می شوند. همچنین باعث به وجود آمدن عدم کنترل احساسات و مشکلات عدیده در فراگیری زبان می شوند. ناهنجاری های زبانی مرتبط با این اختلال باعث به وجود آمدن مشکلات در مهارت های کلامی و غیرکلامی همچنین در دوران مدرسه می شود که به صورت ناتوانی در خواندن و نوشتن بروز پیدا می کند. بنابراین بسیار مهم به نظر می رسد که به تمام عواملی که موجب ارتباط ADHD با مراحل رشد و توسعه زبان و شناخت می شود، آگاهی پیدا کنیم، همچنین باید به این مطلب که چگونه اختلال عملکرد عصبی در ADHD بر شبکه مسئول برای به وجود آوردن زبان پذیرا، یکپارچه و گویا در مراحل مختلف رشد کودک اثر می گذارد نیز توجه نماییم.

ADHD به سه صورت بروز می کند: **کم توجهی، بیش فعالی و عدم کنترل تکانه**. نشانه های **بی توجهی** شامل دقت پایین به جزئیات، اشتباهات ناشی از بی دقتی، مشکل در تمرکز برای مدت طولانی، به نظر می رسد گوش نمی دهند، ناتوانی در اجرای دستورات، رها کردن فعالیت ها بدون تکمیل کردن، ضعف مدیریت، دوری از فعالیت هایی که نیازمند تلاش ذهنی است، فراموشی های مکرر، از بین رفتن تمرکز در مواجهه با محرک های بیرونی. **عدم کنترل تکانه** به صورتهای زیر بروز پیدا می کند: عدم کنترل خود، عجل بودن، اذیت کردن دیگران، صحبت کردن به صورت مکرر بدون توجه به قوانین اجتماعی، پاسخ دادن قبل از اتمام سوال. **بیش فعالی** شامل تکان های عصبی دست و پا، ترک کردن صندلی در موقعیت هایی که نیاز به نشستن است، راه رفتن یا دویدن، حساسیت های عاطفی، عدم رعایت قوانین رفتاری (رعایت نکردن نوبت) و عدم انگیزه های درونی برای یادگیری است.

**تمرکز** به مهارت فردی برای انتخاب یک محرک، متمرکز شدن بر آن محرک، همچنین تمرکز بر تعدادی محرک به صورت همزمان، پایداری توجه در موقعیتی که هیچ محرکی وجود ندارد و انجام دادن چند کار به صورت همزمان اطلاق می شود.

تمرکز به حافظه کوتاه مدت مرتبط است، که به توانایی فرد برای ذخیره اطلاعات، استفاده از این اطلاعات و دستکاری آنها در ذهن برای مدت کوتاه، گفته می شود. یک نمونه از فعالیت حافظه در یادگیری به صورت شنیدن کلمات جدید و تکرار آن بعد از مدت کوتاه است.

### یادگیری زبان جدید

یادگیری فعالیت پیچیده شناختی است و به عوامل متعددی بستگی دارد. مهارت زبانی به دانش فرد در نحو، واژگان، واج شناسی و شایستگی استراتژیک نیازمند است. از آنجا که مشکل در حافظه کارکردی، علت اختلالات خاص یادگیری است، یادگیری زبان دوم به صورت طبیعی بروز نمی کند. تا چه اندازه یکی می تواند برای به دست آوردن مهارت یادگیری زبان دوم تلاش کند به قابلیت شناختی فرد بستگی دارد. البته باید تفاوت های فردی در یادگیری زبان را در نظر داشته باشیم.

## تأثیر بی‌توجهی بر یادگیری زبان دوم

برای **یادگیری تصادفی** توانایی فرد برای توجه به یک محرک بسیار اهمیت دارد، در صورتی که حافظه فعال برای **یادگیری تصادفی و یادگیری عمدی** مهم است. برای فراگرفتن زبان، کودک باید توجه خود را برنوع زبان ارائه شده (زبان پذیرا یا زبان گوینده) متمرکز نماید. بنابراین تمرکز نقش بسزایی در فراگیری زبان دوم دارد. ضعف حافظه فعال و نقص در کنترل اجرایی که در این اختلال مشاهده می‌شود، بر به حافظه سپردن اطلاعات کلامی و تصویری اثر منفی می‌گذارد به همین دلیل مهارت‌های زبانی در این کودکان به درستی رشد نمی‌کند.

اسپارک، همبک و جاورسکی (2008) پژوهشی را روی دانشجویان انجام دادند تا اثر مشکلات شناختی افراد با اختلال ADHD را، بر شدت و میزان فراگیری زبان خارجی را ارزیابی کنند، نتایج نشان داد که توانایی دانش آموزان با این اختلال را با دانش آموزان با مشکلات یادگیری مقایسه نمود. دانشجویان در کلاس‌های زبان خارجی نمرات بالایی کسب کردند، بنابراین نمی‌توان گفت که آنها در توانایی زبانی دچار مشکل هستند. اگر چه که با نقایص شناختی متعددی روبرو هستند. آنها به این نتیجه رسیدند که افراد مبتلا به ADHD در بخش‌هایی که نیاز به تلفظ دارند تلاش زیادی می‌کنند، اما در فعالیت‌هایی که نیاز به، در حافظه سپردن و تحلیل دستور زبان داشت و در خواندن، مشابه افراد دیگر بودند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد در یادگیری زبان اول، افراد با این اختلال، مشکلاتی در خواندن کلمات به تنهایی و خواندن بالقوه دارند (کن و بیگنل، 2014). در خواندن بالقوه، حافظه فعال و کنترل مراحل شناختی نقش کلیدی ایفا می‌کند (کن، 2006)، بنابراین می‌شود انتظار داشت افراد با تمرکز پایین در خواندن بالقوه، چه در یادگیری زبان، چه زبان دوم، دچار مشکل هستند. با توجه به نتایج به دست آمده در تحقیق انجام شده توسط اسپارکس (2008) می‌توان انتظار داشت که، افراد بزرگسال مبتلا به ADHD راههای جبرانی متفاوتی را برای بهتر شدن مهارت خواندن فرا می‌گیرند.

مبتلایان به ADHD در درک متن نوشتاری مشکلاتی در زمینه پردازش محتوای کلامی دارند. مهارت شنیداری برای یادگیری زبان دوم نیازمند تمرکز به مدت طولانی‌تر، انتخاب اطلاعات خاص و پردازش اطلاعات است. بنابراین این تصور وجود دارد که افراد با سطح تمرکز پایین‌تر، تکمیل فعالیت‌هایی که نیاز به خوب شنیدن دارد دچار مشکل هستند.

این افراد قابلیت ذخیره اطلاعات از محرکهای متفاوت را دارند که در حیطه یادگیری دستور زبان و واژگان بسیار با ارزش است. مطالعات نشان داده است که این افراد در به خاطر سپردن اطلاعات فضایی دیداری دچار مشکل هستند، اما به راحتی می‌توانند اطلاعاتی که به صورت شفاهی به آنان عرضه شده را به خاطر سپارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت آموزش فرم دستوری و واژگانی به آنها باید بر پایه محرک‌های شفاهی یا بر پایه چند حسی (استفاده از حس‌های گوناگون برای آموزش) صورت گیرد. این رویکرد در یادگیری زبان دوم حائز اهمیت است.

برای انجام فعالیت‌های نوشتاری نیز توجه و تمرکز بسیار مهم است. در فراگیری نوشتاری زبان دوم فشار بیشتری بر حافظه فعال می‌آید زیرا نوشتن زبان جدید نسبت به زبان اول اتوماتیک‌وار به ذهن نمی‌آید. دانش‌آموزان با اختلال ADHD غلط‌های املایی زیادی در نوشتن کلمات دارند، نمی‌توانند جملات یا پاراگراف با انسجام بنویسند و قادر به نگارش متن با جزئیات نیستند. این دانش‌آموزان در فراگیری زبان دوم قادر به نوشتن آنچه بیان می‌شود به صورت منسجم و کامل نیستند که باعث به وجود آمدن جملات با ساختارهای غلط و افزایش اطلاعات بی‌ربط می‌شود.

## بیش‌فعالی و تکانشگری در یادگیری زبان دوم:

بیش‌فعالی و تکانشگری بر داشتن روابط اجتماعی مناسب، همچنین بر رفتارهای مورد نیاز برای آموزش در فراگیری زبان دوم اثر می‌گذارد. عدم کنترل خود، عجول بودن، اظهارات غیر قابل انتظار بر روی گفتار در روابط اجتماعی، اثر می‌گذارد. از فرد انتظار می‌رود تا به قوانین اجتماعی توجه نماید، نوبت را در مکالمات رعایت نماید و پاسخ مناسبی بدهد. از آنجایی که افراد با ADHD نمی‌توانند رفتار خود را کنترل نمایند، باید تلاش زیادی نمایند تا مهارت‌های صحبت کردن در اجتماع را بیاموزند، به همین دلیل مشکلات فراوانی در یادگیری سطح پیشرفته زبان دارند.

تکانشگری به صورت استفاده از کلمات بی‌ربط، زیاد نوشتن و استفاده بسیار کم از نشانه‌گذاری‌ها در نوشتار، خود را بروز می‌دهد. در نتیجه، متن نوشته شده هیچ هدف خاصی را دنبال نمی‌کند، جملات، پاراگراف‌ها و تمام متن بدون انسجام هستند. ناهماهنگی‌های فراوانی در تلفظ، استفاده از واژگان و نشانه‌گذاری مشاهده می‌شود.

بیش‌فعالی و تکانشگری بر رفتار مورد نیاز برای آموزش نیز تاثیر گذار است. تکان‌های فیزیکی مکرر مانع از انجام فعالیت‌های پیچیده که نیازمند ساکن بودن است، می‌شود. در کل، افراد با ADHD انگیزه ذاتی و طبیعی برای یادگیری را ندارند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری:

ADHD تاثیر بسزایی بر رشد و توسعه مهارت‌های زبانی در زبان دوم دارد. با توجه به نتایج تحقیقات به عمل آمده، نمی‌توان نتیجه گرفت آیا افراد مبتلا به این اختلال از مشکلات خاصی در یادگیری زبان دوم رنج می‌برند یا خیر. اما باید در نظر داشت خصوصیات خاص شناختی و زبانی، این افراد به دلیل هم زمانی ADHD و مشکلات خاص یادگیری است. به همین دلیل، پیشرفت و تمرکز بر مهارت‌های زبان خاص به تفاوت‌های فردی بستگی دارد، به سن فرد، جنسیت و انگیزه برای یادگیری.